

بررسی و نقد دیدگاه نسل دوم جریان روشنفکری دینی ایران در انکار میلااد امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف با تکیه برگزاره‌های تحلیلی فلسفه علم تاریخ*

سیدمهدی کریمی شهیدی^۱

مجتبی سلطانی احمدی^۲

چکیده

مهدویت باور اصیل اسلامی است. البته برخی از علمای شهیر اهل سنت بر ولادت امام دوازدهم هم صحنه گذاشته‌اند. پیشران روشنفکری دینی زمانه با تشکیک در منابع تاریخ اسلام از جمله حدیث، دستاوردهای مدرنیته را تقدیر تاریخی می‌داند و با ستایش اندیشه پسامدرن و تاسی به اندیشه نومعتزلی و عرفان، میلااد امام دوازدهم را به دلیل کمبود شواهد از نظر تاریخی رد می‌کند. این پژوهش براساس منابع کتابخانه‌ای، از روش‌های استدلالی در بررسی و نقد این ادعا استفاده کرده است. هدف این تحقیق نگاهی نو به موضوع مهدویت با به کار بستن روش تحلیلی بحث‌های فلسفه علم تاریخ است. بر این اساس، نادیده گرفتن وقایع تاریخی به بهانه کمبود شواهد، تحریف تاریخ است و این شواهد به درد فرد شکاک نمی‌خورد. راه فهم گزاره‌های تاریخی نیز همدلی و بصیرت است و معنای عینیت، گزینشی منطقی در میان این گزاره‌هاست. همچنین شواهد میلااد براساس زاویه دید و مسئله ارزش‌ها، گزینشی منطقی است. ثمره نگاه پست‌مدرن، شکاکیت مطلق و ویرانی پایه‌های علوم از جمله تاریخ است، اما به دلیل برخورداری این رویکرد از عناصر پلورالیسم و نسبی‌گرایی، نمی‌توان میلااد امام دوازدهم را با این دید انکار کرد.

واژگان کلیدی

مهدویت، میلااد امام دوازدهم، فلسفه علم تاریخ، شکاکیت، مدرنیته، پسامدرن، عرفان، شواهد تاریخی، عینیت.

مقدمه

در میان اهل سنت، پیشینیان مشهور به صحابه و تابعین نسبت به اندیشه مهدویت کاملاً

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۹

۱. کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور تهران جنوب، تهران، ایران (smk.shahidi@gmail.com).

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (msoltani94@pnu.ac.ir).

آگاه بودند و به اصالت آن شهادت داده‌اند، لذا این اعتقاد اصیل، فرامذهبی است. از نیمه دوم قرن سوم هجری (۵ سال قبل از ولادت امام دوازدهم) تاکنون، بیش از دو هزار جلد کتاب، رساله و مقاله به زبان‌های مناطق مسلمان نشین به قلم علما و دانشمندان شیعه و سنی در رابطه با امام دوازدهم تألیف یا ترجمه شده است (فقیه ایمانی، ۱۳۷۶). متقی هندی متوفای ۹۷۵ ق، در کتاب مشهور *کنز العمال* فتاوی علمای مذاهب اربعه درباره مجازات فرد منکر مهدی را نقل می‌کند (متقی هندی، ۱۴۱۲ ق: ۱۰۴-۱۰۶). علمای برجسته وهابی نیز که از هر بهانه‌ای برای برچسب تکفیر به دیگر مسلمانان استفاده می‌کنند، باور مهدویت را اندیشه اصیل اسلامی می‌دانند. بن باز، مفتی اعظم و متعصب و معاصروهابیت در عربستان، عدم اعتقاد به مهدی و احادیث مربوط به آن را سبب کفر و گمراهی می‌داند (بن باز، بی‌تا) البته مهدویت شخصی یا تأکید بر ولادت امام دوازدهم در سال ۲۵۵ ق، دیدگاه انحصاری شیعه امامیه نیست و برخی از علما و مورخین شهیر اهل سنت در این رابطه آثار مهمی نگاشته‌اند (جعفریان، ۱۳۷۶ ش: ۲۴۷-۲۵۰).

در دوران معاصر با سیطره اندیشه علمی و فلسفی غرب در مشرق زمین، علوم انسانی نیز از این رویداد بی‌نصیب نماند. اگر اسلام‌شناسی را به عنوان رایج‌ترین تعریف از شرق‌شناسی بپذیریم (همتی گلیان، ۲۰۰۸)، ویرایش کتب مقدس شرقی در دهه ۱۸۰۰ م به وسیله ماکس مولر، اولین بارقه‌های این جریان به شمار می‌آید. سپس انتشارات آکسفورد در دهه ۱۸۷۰ م مجموعه‌ای تاریخی از متون مذهبی شرق از جمله هندوئیسم، بودیسم و آثار اسلامی را منتشر ساخت. مطالعات اسلامی در آن زمانه مغرضانه بود، بعدها در عصر روشنفکری برخی اندیشمندان همچون کارلایل از احترام به اسلام و پیامبر آن سخن به میان آوردند. امروزه تلقی‌های غربی درباره اسلام تنها ناسزاگویانه نیست، بلکه براساس اعلامیه انجمن واتیکان دوم، با توجه به وجوه انطباق میان مسیحیت و اسلام، از این دین با احترام نیز یاد می‌شود (صانع‌پور، ۱۳۹۳ ش: ۴۳-۶۳). شرق‌شناسی با ترکیبی از رویکردهای علمی و سیاسی، حاصل یک جنبش بلندمدت و آگاهانه است که تحت تأثیر روش تحقیق علمی رایج در غرب پدید آمد و البته هنوز به بلوغ کافی نرسیده است. علاوه بر زاویه دید حاصل از منطق پژوهش‌های علمی در غرب، مطالعات شیعه‌شناسی این محققان از طریق منابع اهل سنت صورت پذیرفته و تا همین اواخر این رویکرد ادامه دارد (احمدوند، ۱۳۷۷ ش: ۱۵۳-۱۸۳). ادوارد سعید بر آن است که خاورشناسان چشم‌اندازهایی را ترسیم می‌کنند که به حفظ و تقویت گفتمان جهانی غرب مسلط و شرق سلطه‌پذیر کمک می‌کند (صانع‌پور، ۱۳۹۵ ش: ۶۳-۸۴). در

این میان مسیحیت نیز مشخصه فرهنگ غرب و عامل نفوذ سیاسی و اقتصادی آن به شمار می‌آید (مجتهدی، ۱۳۸۰ ش: ۱۷-۵۱). در نتیجه شرق‌شناسان با زاویه دیدی برآمده از آنچه گفته شد به مطالعه دین و تاریخ اسلام رو آورده و در این میان باور مهدویت را نیز بی‌نسیب نگذاشته‌اند.

تاریخ معاصر شاهد شکل‌گیری جریانی با عنوان روشنفکری دینی در جوامع اسلامی از جمله ایران است. روشنفکران دینی خود را جماعتی با حس و حال کم و بیش مؤمنانه می‌دانند که به دنیای جدید پرتاب شده‌اند. دنیایی پر از کثرت، شک آلوده، مبهم، سربه سر پیچیدگی و پرسش و دنیایی پر از نقشه‌های ذهنی متکثر و متعارض و مملو از اعتراض و با ایمانی که دیوار به دیوار شک و الحاد است (فراستخواه، ۱۳۹۳). از سوی دیگر به پندار روشنفکری دینی، این جریان هویتی سیال دارد که هر روز گرفتار صد طوفان نوح و طغیان روح است و مدرسه‌ای فکری است که هم از تجربه بشری بهره می‌جوید هم از تجربه نبوی (سروش، ۲۰۱۶ الف). به باور این جریان باید عینک مدرنیسم را به چشم زد و همه چیز را با آن دید. در این مدرسه فکری، علم و تکنولوژی معشوق‌های جدید و دلربایی هستند که دل، ذهن و چشم را پر کرده‌اند و جا برای چیز دیگری باقی نگذاشته‌اند. این رویکرد هم تقدیر تاریخی این مدرسه پنداشته می‌شود! (سروش، ۲۰۱۸ الف).

رویکرد شکاکیت نسبی و مطلق دوران مدرنیته و پسامدرن غرب که هویت همه علوم، به خصوص علوم انسانی را تهدید می‌کند، در بررسی موضوعات دینی از سوی جریان روشنفکری دینی معاصر به کار رفته است. آورده‌های فکری تمدن غرب به خصوص آثار مستشرقان و تقدیر تاریخی به سر بردن با معشوقه‌های دوران مدرن، روشنفکران دینی ایران را بر آن داشت که به دگراندیشی در مبانی اصیل دینی در حوزه‌های مختلف از جمله مهدویت بپردازند. این پژوهش بر آن است که با رویکرد هم‌زبانی با مبانی منطق پژوهش تاریخ، انکار میلاد امام دوازدهم توسط دکتر عبدالکریم سروش، پیشران جریان روشنفکری دینی زمانه را بررسی و نقد کند.

پیشینه پژوهش

مقاله‌های پژوهشی در حوزه مهدویت و اثبات میلاد امام دوازدهم به صورت عمده با ادله عقلی، نقلی و تاریخی به این مسئله پرداخته‌اند و زاویه دید غالب آنها زاویه دیدی کلامی به ادله روایی و تاریخی است. بررسی منابع حدیثی فریقین و برخی منابع تاریخی، مطالعات بین

ادیان، مسئله منجی باوری، رویکردهای فقهی مذاهب اهل سنت، گرایش به تصوف و نسب‌شناسی از رویکردهای مطرح در نگارش این مقالات می‌باشند:

(ناصر، ۱۳۸۳)، (درگاهی، ۱۳۸۶)، (صفرزاده، ۱۳۹۰)، (عباسی، ۱۳۹۲)، (دهباشی، ۱۳۹۶)، (حسنی، ۱۳۹۷ش: ۲۰۷-۲۲۸)، (واردی، ۱۳۹۷ش: ۱۶۷-۲۰۶).

در سال‌های اخیر، انکار ولادت امام دوازدهم از سوی بعضی از روشنفکران دینی وطنی، نگارش مقالاتی انتقادی در این زمینه را به دنبال داشت. برخی از این روشنفکران دینی، تحت تأثیر تفکر نومعتزلی و سلفی‌گرایی متجددانه جهان عرب، به خصوص رسوبات فکری شاگردان مصری سیدجمال، از جمله رشیدرضا؛ به انکار مهدویت و میلاد امام دوازدهم شیعه پرداختند:

(حسینی بیواره، ۱۳۹۱)، (جلالی، ۱۳۹۴)، (شاکری زواردهی، ۱۳۹۵ش: ۵۳-۷۴)، (اصفهانی، ۱۳۹۵)، (پنجه‌پز، ۱۳۹۶)، (فهیمی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۷ش: ۴۷۹-۵۱۱).

غلبه رویکردهای کلامی - روایی در نقد انگاره‌های روشنفکری دینی در این مقاله‌ها رویکرد اصلی است. البته تحلیل‌های تاریخی و عرفانی نیز در میان آنها وجود دارد. نقد رویکرد مهدویت نوعی ارائه شده توسط بعضی از روشنفکران دینی و دیدگاه شیعه‌پژوهان غربی و مطالعات تطبیقی آنها نیز در میان این مقالات به چشم می‌خورد. با توجه به این پیشینه‌ها می‌توان ادعا کرد که رویکرد این پژوهش‌نگاهی نو به نظر می‌رسد.

چارچوب نظری پژوهش

دستاوردهای فلسفه تاریخ، شاخصه‌های بررسی موضوع این پژوهش را به دست می‌دهند. منظور از فلسفه تاریخ، تاریخ چونان گزارش یا فلسفه تحلیلی تاریخ است (استنفورد، ۱۳۹۶ش: ۳۷-۵۱). فیلسوف تاریخ، اجزاء شکل‌دهنده تاریخ چونان گزارش را با زیر سؤال بردن آنها بررسی و ارزیابی می‌کند و سپس با تفسیر به درک و فهم از آن نائل می‌آید (استنفورد، ۱۳۹۶ش: ۷۱-۷۲). مسائلی چون مورخان چه چیزی را شواهد، مدارک یا تبیین تلقی می‌کنند؟ آیا نتایج و دستاوردهای آنان واجد حقیقت عینی است یا نه؟ از جمله سؤال‌هایی است که در این حوزه مطرح است (اتکینسون، ۱۳۹۲ش: ۲۴-۲۵).

از نظر فیلسوف تاریخ تأکید بیش از حد بر دوره مدرن به بهانه وجود شواهد و مطالب مستند فراوان، در مقابل نادیده گرفتن برخی از دوره‌های میانه یا باستان که مطالب نوشتاری درباره آنها بسیار اندک است، نوعی تحریف است و باید نسبت به آن حساس بود (اتکینسون، ۱۳۹۲ش: ۲۶-۲۷). با این‌که در حیطه تاریخ، حقیقت تا حدودی به شواهد بستگی دارد و

مورخان جدی همیشه در جست‌وجوی شواهد بیشتر هستند، نه تنها در تاریخ بلکه در حقوق و علم تجربی نیز پاره‌ای از شواهد به ندرت قطعی هستند. هیچ تاریخ‌نویس یا دانشمندی نمی‌پذیرد که ما به حقیقت مطلق رسیده‌ایم. همیشه باید توازنی ظریف میان شک معقول و یقین معقول باشد؛ از این رو برای فرد جزم‌اندیش و شکاک تمام عیار، جایی در مطالعه تاریخ وجود ندارد. توالی‌آشنای رویدادها به اندازه‌ای تکرار می‌شوند که ما می‌توانیم کل پی‌آینده را از روی مرحله آخر استنتاج کنیم، ذرت رسیده شاهد معتبری برای شخم‌زنی و بذرافشانی پیشین است (استنفورد، ۱۳۹۶ش: ۳۰۵-۳۱۱).

اصل اثبات‌پذیری^۱ در فلسفه علم تاریخ به معنای مرتبط ساختن فرضیات^۲ با گزاره‌های منفرد راجع به گذشته است. این گزاره‌ها را نمی‌توان ورای آنچه در کتب تاریخی به چشم می‌خورد، از طریق مشاهده مستقیم وضع نمود. البته این تنها علم تاریخ نیست که به خاطرات، حافظه و مستندات اعتماد می‌کند. برای درک و فهم اعمال و کنش‌های گذشتگان براساس گزاره‌های تاریخی باید نیت، انگیزه‌ها، اهداف و اعتقادات صاحبان آنها فهم شود. کالینگوود بر آن است که دغدغه تاریخ بابت اعمال و کنش‌ها، موجب برتری آن نسبت به علوم طبیعی است. چون مورخان خود انسان هستند لذا می‌توانند به طور ذهنی با مردم روزگار گذشته دمخور شوند و در افکار، اعتقادات، انگیزه‌ها، نیت و حتی احساسات با آنان سهیم شوند. البته همدلی و روشن‌بینی با مطالعه قرون میسر می‌شود و مورخ بدون آنها فلج است. پی‌بردن به این مؤلفه‌ها نیازمند تخصص‌های مختلف است و فقط با گردآوری و تنظیم شواهد تاریخی نمی‌توان به بصیرت نائل شد (اتکینسون، ۱۳۹۲ش: ۳۰-۳۱).

عینیت در عین‌گزینشی بودن شواهد از مباحث مهم فلسفه علم تاریخ است. در رابطه با واژه عینیت دو معنا متصور است: مفهوم نخست مطابق با واقع بودن^۳ در برابر ذهنی بودن^۴ آن است. مفهوم دوم عینی بودن در برابر امر تحکمی^۵ است، که هر گزاره قابل تصدیق و اثبات‌پذیر برای افراد منطقی^۶ را در عین‌گزینشی بودن در بر می‌گیرد. توصیف‌گزینشی به معنای اول نمی‌تواند عینی باشد. راهبرد مناسب در مطالعات تاریخی، قبول ضرورت‌گزینش است. در جریان‌گزینش‌های مختلفی که به طور یکسان و هماهنگ با رخدادها صورت

1. Verification
2. Hypotheses
3. objectivity
4. subjectivity
5. arbitrary
6. rational

می‌گیرند، کمترین لطمه‌ای به عینیت وارد نمی‌شود. گزینش‌ها در رابطه با سوالات و اهداف پژوهش را می‌توان عینی دانست (اتکینسون، ۱۳۹۲ش: ۳۳). عینیت در تاریخ چنان آرمانی تنظیم‌کننده است که ما را تا اندازه ممکن به سوی هدف ناممکن راهنمایی می‌کند. این مفهوم سودمند مانند آن نقطه است که عقربه قطب‌نما را به قطب شمال معطوف می‌کند. به نظر ناگل دیدگاه عینی برای هر نوع فهم و درکی بهترین نیست. به گفته وی یک دیدگاه عینی با کنار گذاشتن دیدگاهی ذهنی‌تر، فردی‌تر یا حتی انسانی‌تر ایجاد می‌شود. ولی چیزهایی درباره جهان و زندگی و خود ما وجود دارد که نمی‌توان از دیدگاهی به غایت عینی آنها را به صورت مناسب درک کرد. در بیشتر موارد فهم مناسب فقط با ترکیب دیدگاه عینی و ذهنی به دست می‌آید. تاریخ یکی از حوزه‌هایی است که برای شناخت آن باید دیدگاه ذهنی را هم مدنظر گرفت (استنفورد، ۱۳۹۶ش: ۲۷۵-۲۷۹).

زاویه دید مورخ از دیگر مباحث مهم مطرح در فلسفه علم تاریخ است. محقق نباید به نام بی‌طرفی از دخالت عناصر ذهنی در تاریخ خودداری کند. دخالت عنصر ذهنی و طرح دادن به یافته‌های پراکنده و پربیشان خارجی از لوازم انفکاک ناپذیر ماهیت هر علم است. مورخ خوب آن نیست که خود را پنهان کند، بلکه باید به خوبی خود و زاویه دیدش را آشکار سازد. دخالت دادن عنصر انتخاب به معنای افزودن چیزی بر تاریخ نیست. هرچه توصیف حوادث گزیده‌تر باشد عینی‌تر و علمی‌تر است. حقایق هیچ‌گاه عریان بر کسی آشکار نمی‌شوند، بلکه ضمن طرحی و مدلی معنا پیدا می‌کنند و این مدل‌ها هستند که با جای دادن به پدیده‌ها آنها را از معنا و موضعی خاص برخوردار می‌کنند (سروش، ۱۳۶۰ش: ۳۲-۳۴).

ارزش‌ها در مطالعات علوم انسانی از جمله تاریخ از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. این ادعا که پژوهش تاریخی باید از ارزش‌ها و هنجارهای زندگی مورخ (اخلاقی، سیاسی و زیبایی‌شناسی) خالی باشد کاملاً پوچ است. چگونه انسان می‌تواند بدون دغدغه‌های اخلاقی، سیاسی و زیبایی‌شناسی به تاریخ علاقه‌مند شود (اتکینسون، ۱۳۹۲ش: ۴۸-۵۰). به عبارت دیگر باید حوادث را برگزید و این گزینش تحت تأثیر عواملی چون زاویه دید، معیارها و ارزش‌های یک مورخ و نیز مسائل هر دوره است. باید پیشاپیش به جای فریب‌کاری، زاویه دید را هم به دیگران و هم به خود عرضه کنیم و خلق و نفس را از بدآموزی در امان داریم (سروش، ۱۳۶۰ش: ۳۵-۳۶).

از ویژگی‌های اندیشه مدرن شکاکیت نهفته در ذات آن است. در این رویکرد فکری موضوع یقینی به یقین نرسیدن است. به قول کانت شرم‌آور است که هیچ فیلسوفی نمی‌تواند جهان

خارج را اثبات کند. در این دیدگاه دلیل منطقی برای این که ما در خواب نیستیم و در جهان خارج حضور داریم، وجود ندارد، اما به هر حال چون جهان بر گمان می‌چرخد، احتمال بیداری بیشتر از خواب است! (سروش، ۲۰۱۸م «الف»، سروش، ۲۰۱۸م «ب»)

اما رویکرد پسامدرن در علوم انسانی ذات این علوم را با تهدید مواجه ساخته است. به گفته ریچارد رورتی در قرون وسطی خدا، خدا بود. آن‌گاه در دوران روشنفکری و مدرنیسم عقل، خدا شد و در این زمانه، یعنی دوران پست‌مدرن، هیچ خدایی وجود ندارد. بُت عقل یا خدای عقل با تمام صورت‌های متصور امروز شکسته است و در آن هیچ صورت سالمی دیده نمی‌شود. واژه عزیز خرد که روزی فاخرترین و مقدس‌ترین واژه‌ها بود، امروز جز معنایی مشکوک و مبهم افاده نمی‌کند (سروش، ۲۰۱۹). پست‌مدرنیست‌ها ادعا دارند که اکنون در آستانه ورود به هزاره سوم وضعیت ما چنین است که موقعیت خود را از دست داده‌ایم، سردرگم شده‌ایم و بنیادهای تئولوژیکی و متافیزیکی فرهنگ ما فرو ریخته است. کلان‌روایت‌های ما دیگر معنا و مفهومی ندارد، ارزش‌ها تضعیف و تحقیر شده‌اند و کل زندگی ما و از جمله زندگی عمومی در تاریخ به هیچ وجه معنایی ندارد (استنفورد، ۱۳۹۶ش: ۷۴-۷۷). تاریخ در مفهوم پست‌مدرنیستی آفریده مورخان کنونی است و وجود خارجی ندارد. استنفورد ادعاهای پست‌مدرن‌ها درباره تاریخ را رد می‌کند و این دیدگاه را در مورد شعر صحیح می‌داند (همان: ۱۱۳۰-۱۱۳۱). تاریخ عربی شکاکیت در اندیشه غرب بر دوش انبوهی از اندیشمندان آن دیار است. به نظر استنفورد، این شکاکان از جمله راسل بار اول نیست که شناخت ما از گذشته و در واقع وجود گذشته را مورد تردید قرار داده‌اند. مورخین باید از پست‌مدرنیته نگران باشند؛ البته نه به دلیل واقعیت داشتن آن، بلکه به این دلیل که اگر از آن جلوگیری نکنیم، واقعیت خواهد یافت (همان: ۱۱۳۹-۱۱۴۵).

روش تحقیق

این پژوهش از نوع نظری است. به عبارت دیگر در این تحقیق بر اساس منابع و اسناد کتابخانه‌ای از روش‌های استدلالی و تحلیل محتوای قیاسی، جهت دست‌یابی به اهداف پژوهش استفاده شده است. با توجه به دستاوردهای فلسفه انتقادی تاریخ، گزاره‌هایی علمی از کتب معتبر از جمله درآمدی بر فلسفه تاریخ نوشته مایکل استنفورد، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری (مجموعه مقالات)، مقاله «نگاهی به دیدگاه‌های رایج در فلسفه معاصر تاریخ» استخراج شده است. در ادامه با اشاره به کتاب فلسفه تاریخ نوشته دکتر

عبدالکریم سروش که همین گزاره‌ها را تکرار می‌کند، به بررسی و نقد دیدگاه وی در موضوع ولادت امام دوازدهم می‌پردازیم.

بحث

دکتر عبدالکریم سروش بر آن است که:

اگر کسی به چنین چیزی (امام زمان علیه السلام) رسید که واقعیت دارد، ایمان می‌آورد؛ اگر نرسید که سکوت می‌کند، اظهار نظر نمی‌کند و آن هم مقبول خداوند است. قصه امام زمان علیه السلام یک قصه اعتقادی است، وقتی می‌گوئیم اعتقادی یعنی ما به لحاظ تاریخی قدرت اثبات آن را نداریم. آن طوری که موجودیت یک کسی، مثل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به لحاظ تاریخی محرز است؛ یعنی مسلمان و نامسلمان وقتی به شواهد تاریخی مراجعه می‌کند، درمی‌یابد که چنین کسی آمده و چنان آثاری از خود به جای گذاشته و از دنیا رفته است، هیچ کسی شکی ندارد. به لحاظ تاریخی مسلمان باشد یا نباشد، شیعه باشد یا نباشد. در مورد امام اول هم همین طور است. در مورد امام ششم شیعیان، امام جعفر صادق علیه السلام هم همین طور است. اما به امام دوازدهم که شما می‌رسید، تاریخ بسیار تاریک است. یعنی جز این که شما از پیش به چنین چیزی اعتقاد داشته باشید، نمی‌توانید با شواهد تاریخی اثبات کنید که چنین کسی به دنیا آمده، چنین کسی چند سال زیسته، چنین کسی غائب شده، ما چنین شواهد تاریخی نداریم (سروش، ۲۰۱۶م «ج»).

الف) تحریف تاریخ میلاد امام دوازدهم با نادیده گرفتن وقایع کهن تاریخی به بهانه کمبود شواهد

از نظر فیلسوف تاریخ، تأکید بیش از حد بر دوره مدرن به دلیل شواهد و مطالب مستند فراوان و نادیده گرفتن برخی از دوره‌های میانه یا باستان که مطالب نوشتاری یا کتبی درباره آنها بسیار اندک می‌باشد به نوعی تحریف تاریخ است (اتکینسون، ۱۳۹۲ش: ۲۶-۲۷)، لذا این رویکرد که «به امام دوازدهم که شما می‌رسید، تاریخ بسیار تاریک است» دلیل موجهی برای توقف مطالعه تاریخی نیست و نوعی تحریف تاریخ به شمار می‌رود.

ب) شواهد تاریخی میلاد امام دوازدهم به درد جزم‌اندیش و شکاک نمی‌خورد

تاریخ‌نگار کوشا همیشه در جست‌وجوی شواهد بیشتر است، اما برای فرد جزم‌اندیش و شکاک تمام‌عیار جایی در مطالعه تاریخ وجود ندارد. سن پل بر آن است که ایمان شاهدهی برای چیزهای دیده نشده است، ولی این امر فقط در مورد ایمان (دینی) صدق نمی‌کند؛ ردپای

گل‌آلود راهرو و به گوش رسیدن صدای موسیقی از اتاق خواب‌ها حکایت از آن دارد که بچه‌ها از مدرسه برگشته‌اند هرچند هنوز دیده نمی‌شوند. استفاده از شواهد برای چیزهای دیده نشده کاری پیچیده و رمزآلود نیست (استنفورد، ۱۳۹۶ش: ۳۰۵-۳۱۱). در واقع این نوع شواهد ایمانی در علم تاریخ، منطقی و عقلانی هستند.

با توجه به اصالت مهدویت در اسلام و گزارش‌های فراوان این تولد در منابع تاریخی و آثار علمای اهل سنت، میلاد امام دوازدهم از نظر فلسفه علم تاریخ رویدادی اثبات‌پذیر یا منطقی است. این منابع نه تنها به نقل تولد بلکه به ابعاد دیگر زندگی امام دوازدهم از جمله غیبت، دیرزیستی، ولایت و خلافت داشتن بر مسلمین، عامل بقای مخلوقات و آفرینش، عدالت‌گستری نیز اشاره دارند.

ج) راه فهم گزاره‌های تاریخی از جمله میلاد امام دوازدهم تعامل، همدلی و بصیرت است

شواهد تاریخی شامل مردم، اشیاء فیزیکی و حتی عقایدی است که مربوط به انسان‌های گذشته‌اند (نورایی و جعفری، ۱۳۸۹ش: ۱۸۱-۲۱۳). به عبارت دیگر گزارش تاریخی تنها فهم دیسپلینی از تاریخ به معنای محتوای کتاب‌های تاریخی نیست، بلکه انگاره‌ای عام از هر چیزی است که از گذشته خبر می‌دهد. سنن پیشینی چون متون حدیثی و رجالی نیز گزارش‌های تاریخی هستند. احادیث، تاریخ اقوال معصومان و مباحث رجالی حاوی گزارش از شخصیت‌های تاریخی می‌باشند (گرامی، ۱۴۰۰). پیشران روشنفکری دینی زمانه، دیدگاه پایدار خود درباره احادیث را نفی آنها می‌داند، مگر آن‌که خلافتش ثابت شود! (سروش، ۲۰۲۰) وی با پیشرانی سخن ابوحنیفه بر آن است که کل احادیث صحیح وارده از پیامبر صلی الله علیه و آله به بیست عدد نمی‌رسد (سروش، ۲۰۱۷م «ج») اگر با این بینش به سراغ تاریخ برویم چه بر سر آن علم خواهیم آورد؟ سؤالی که جواب آن به روشنی مشخص است.

براساس آموزه‌های فلسفه علم تاریخ، مورخ به جز اتکا به شواهد، برای درک و فهم اعمال گذشتگان باید با مطالعه قرون و با تمسک به تخصص‌های گوناگون با آنها دمخور شود و به بصیرت تاریخی برسد. تاریخ به هیچ وجه تدوین گاه‌شماری و گردآوری صرف وقایع و حوادث یعنی تاریخ‌نویسی به کمک چسب و قیچی نیست (اتکینسون، ۱۳۹۲ش: ۳۰-۳۱). ارائه نتیجه‌ای تاریخی برای کسی که در تاریخ تخصص ندارد به هیچ وجه منطقی نیست. این فرد حداکثر می‌تواند در این گزاره تاریخی شک کند. در این صورت لازم است وی برای برطرف کردن شک خود به متخصص این علم مراجعه نمایند. به عبارت دیگر علم تاریخ حاصل تعامل

مورخ با وقایع است و تا مورخی به این تعامل نرسد، ارزیابی وی در مورد وقایع تاریخی ناسنجیده خواهد بود.

د) گزینش منطقی شواهد و زاویه دید مورخ و موضوع میلاد امام دوازدهم

در عینیت گزاره‌های تاریخی، صادق بودن به معنای گزینش منطقی است. به دنبال تاریخ عینی گشتن یعنی فقط توصیف حوادث، نه ممکن و نه مطلوب است. نباید بیهوده خود را به نام بی طرفی بفریسیم که ما حوادث را هم چنان که بوده‌اند شرح می‌کنیم و از دخالت عنصرهای ذهنی خود خودداری می‌ورزیم. دخالت عنصر ذهنی و طرح دادن به یافته‌های پراکنده و پربشان خارجی از لوازم انفکاک ناپذیر ماهیت هر علم است. هیچ دو مورخی از یک حادثه یک نوع تفسیر و تاریخ نمی‌نویسند و به تعداد مورخان تاریخ می‌توان داشت؛ یعنی نه تنها در گزیدن چهره‌ای از حوادث ناگزیریم؛ بلکه در گزیدن خود حوادث نیز چاره نداریم. توده‌ای فشرده و انباشته از حوادث هرگز یک کتاب تاریخ را تشکیل نمی‌دهند؛ بلکه مورخ با طرحی و بینشی قبلی به تنظیم و رشته کشیدن حوادث می‌پردازد و سیر آنها را به نقطه‌ای خاص منتهی می‌کند. در این تنظیم و طراحی حوادثی از نظر دور می‌ماند و یا جلوه نمی‌کنند و حوادثی بزرگ و پربها می‌شوند (سروش، ۱۳۶۰ش: ۳۲-۳۴). عجیب است که پیشران جریان روشنفکری دینی زمانه با این رویکرد در باب مورخان و تاریخ، به موضوع ولادت امام دوازدهم که می‌رسد چهره‌ای گرفتار دگماتیسمی نقاب‌دار و نه دانشمندی جویای حقیقت از خود به نمایش می‌گذارد.

او بر آن است که مورخ باید به خوبی خود و زاویه دیدش را آشکار سازد (همان: ۳۳). باید از وی پرسید که با کدام زاویه دید به انکار میلاد امام دوازدهم پرداخته است. عصبیت سیاسی؟ رویکرد فکری اقبال لاهوری و ابن خلدون؟ عینک مدرنیسم به عنوان تقدیری تاریخی؟ چرا از نظر وی جابه‌جا کردن میز توسط دکتر شریعتی با چشم گزاره‌ای منطقی است (سروش، ۲۰۱۷م «ب»)، اما ادعای کمبود شواهد تاریخی ولادت امام دوازدهم، دلیل انکار این موضوع تلقی می‌شود. در واقع نوعی یک بام دو هوایی و یا عصبیتی غیرعلمی و یا شکاکیتی برخاسته از مدرنیسم که به پرتگاه شکاکیت مطلق پست مدرن درغلطیده، در نظر و عمل ایشان به چشم می‌خورد. واژگانی از قبیل «قصه امام زمان علیه السلام» و به «لحاظ تاریخی قابل اثبات نیست» مؤید این رویکردهاست.

هـ) عینیت، ارزش‌ها و موضوع مهدویت

در فلسفه علم تاریخ این ادعا که پژوهش تاریخی باید از ارزش‌ها و هنجارهای زندگی مورخ (اخلاقی، سیاسی و زیبایی‌شناسی) خالی باشد کاملاً پوچ است. از نظر پیشران جریان روشنفکری زمانه نیز باید حوادث را برگزید و این‌گزینش تحت تأثیر عواملی چون زاویه دید، معیارها و ارزش‌های یک مورخ و نیز مسائل هر دوره است، لذا قطعاً تاریخ و تعاقب زمانی حوادث در آن به شکل خاصی جلوه خواهند کرد. وی بر این باور است که نیاز به حل مسئله و نوع ارزش‌ها و اولویت‌ها که در ذهن ما موجود است، زاویه دید را به دست می‌دهد که عینکی برای نظر و انتخاب در میان گزارش‌های تاریخی می‌شود. پیشنهاد وی این است که به جای فریب‌کاری، پیشاپیش زاویه دید خود را هم بر خود و هم دیگران عرضه کنیم و خلق و نفس را از بدآموزی در امان داریم. مارکسیست‌ها یک قرن است که مدعی تفسیر عینی مجموع تاریخ‌اند، این درسی باشد برای ما که چنین شیری خدا نیافرید (سروش، ۱۳۶۰ش: ۳۵-۳۶) به هر حال با هر زاویه دید نمی‌توان به دیگران حکم کرد که تاریخ را باید مثل من ببینید! این شیری است که خدا نیافرید است. برخورد دکتور سروش با موضوع مهدویت نشان می‌دهد که وی در عمل به سعه صدر علمی ادعایی خود پایبند نیست و مرغ اندیشه خود را غاز می‌پندارد.

و) تاریخ، اندیشه پُست‌مدرن و موضوع مهدویت

پست‌مدرنیست‌ها ادعا دارند که وضعیت ما در آستانه ورود به هزاره سوم چنین است که موقعیت خود را از دست داده‌ایم، سردرگم شده‌ایم و بنیادهای تئولوژیکی و متافیزیکی فرهنگ ما فرو ریخته است. کلان‌روایت‌های ما دیگر معنا و مفهومی ندارد، ارزش‌ها تضعیف و تحقیر شده‌اند و کل زندگی ما و از جمله زندگی عمومی در تاریخ به هیچ وجه معنایی ندارد (استنفورد، ۱۳۹۶ش: ۷۴-۷۷).

انتظار از تاریخ در مفهوم پست‌مدرنیستی

انکر سمیت و جوینس درباره انتظار از تاریخ در مفهوم پست‌مدرن شش نکته زیر را برشمرده‌اند:

۱. در تاریخ‌نگاری واقعیت بازنمایی می‌شود، ولی متن‌ها خودارجاع هستند و به چیز دیگری معطوف نیستند؛
۲. برای چنین متن‌هایی فقط معیارهای زیبایی‌شناختی اهمیت دارد نه معیارها یا ملاک‌های شناخت‌شناسانه؛

۳. ما هیچ متن تثبیت شده و هیچ گذشته‌ای جز تفسیرهای کم و بیش معقول و موجه نداریم؛

۴. معیارهای صدق و کذب در حوزه تاریخ‌نگاری کاربرد ندارند؛

۵. گزارش‌های تاریخی مبهم و آگاهانه هستند؛

۶. گذشته تاریخی صرفاً آفریده مورخان کنونی است نه این‌که واقعاً وجود داشته باشند.

استنفورد این ادعاها را در مورد شعر، صحیح می‌داند. از نظر وی این نکات در مورد گزارش تاریخی صادق نیستند (استنفورد، ۱۳۹۶ش: ۱۱۳۰-۱۱۳۱).

بر پایه نظر استنفورد، تاریخ عریض شکاکیت در اندیشه غرب متأثر از تاریخ معرفت‌شناسی آن است و شکاکانی چون راسل بار اول نیست که شناخت ما از گذشته و در واقع وجود گذشته را مورد تردید قرار داده‌اند. مورخین باید از پست‌مدرنیته نگران باشند؛ البته نه به دلیل واقعیت داشتن آن، بلکه به این دلیل که اگر از آن جلوگیری نکنیم، واقعیت خواهد یافت. انتقاد پست‌مدرن‌ها همواره از تجدد مخرب بوده است در حالی که با نظریه‌های خود بیشتر غیر نقادانه برخورد می‌کنند (استنفورد، ۱۳۹۶ش: ۱۱۳۹-۱۱۴۵).

با این‌که استنفورد فیلسوف برجسته تاریخ از پست‌مدرنیسم نگران است، اما پیشران روشنفکری دینی زمانه نه تنها از آن نمی‌هراسد، بلکه آن را به فال نیک هم می‌گیرد و با پیشرانی سخنی از ریچارد رورتی به بررسی این رویکرد نو می‌پردازد:

رورتی بر آن است که در قرون وسطی خدا، خدا بود؛ آن‌گاه در دوران روشنفکری و مدرنیسم عقل، خدا شد و در این زمانه، یعنی دوران پست‌مدرن، هیچ خدایی وجود ندارد.

به نظر وی این سخن، بهره‌بزرگی از حقیقت دارد. بت عقل یا خدای عقل امروز شکسته است و واژه عزیز خرد که روزی فاخرترین و مقدس‌ترین واژه‌ها بود، امروز جز معنایی مشکوک و مبهم افاده نمی‌کند. عقل ارسطویی، عقل دکارتی، عقل کانتی، عقل هگلی، عقل دینی، عقل تاریخی، عقل دیالکتیکی، عقل نظری، عقل عملی و... دیگر انقسامات خرد و درشت، آیینه عقل را چنان در هم شکسته‌اند و تکه‌تکه کرده‌اند که در آن هیچ صورت سالمی دیده نمی‌شود. از نظر سروش احکام عام و جهانی و فراتاریخی از دل عقل مطلق فراتاریخی به در آوردن و بر همه اعصار حاکم و صادق دانستن از هر وقت دیگری مشکل‌تر شده است و بشریت در این زمانه به پلورالیسم و رلاتیویسمی بهداشتی و سودمند رسیده است که میوه‌اش فروتنی! و نفی دگماتیسم است، آن را به فال نیک باید گرفت (سروش، ۲۰۱۹م)

با توجه به آئین پسامدرن، آیا انکار ولادت امام زمان عجل الله فرجه نوعی دگماتیسم و عدم فروتنی در تاریخ نیست؟ آیا طلوع پلورالیسم و رلاتیویسم در افق اندیشه پیشران نواندیشی دینی زمانه تغییری در شیوه نگرش او به مسئله میلاد امام دوازدهم به وجود آورده است؟ جواب این سؤال منفی است. او براساس مطالب مقاله «اندر باب عقل» کاملاً غرقه در عرفان قرن هفتمی مولوی است. او عارفان را برندگان عالم می‌داند (سروش: ۲۰۱۷م «الف»). سرخوردگی از عقل مدرن در قامت خدای محتضر مدرنیته، پیروان آن را به طواف کعبه دیگری می‌خواند. به نظر می‌رسد پیشران روشنفکری زمانه با سرخوردگی از مدرنیته، بیشتر از پیش اندیشه عرفانی خود را پیچ و تاب می‌دهد، شعر می‌سراید و در سکر کلام موزون در پی تحری حقیقت است! در این نوبت عاشقی وی به بهانه پست مدرنیسم، پلورالیسم و رلاتیویسم در وادی عرفان، استقرار کامل می‌یابد و راحت‌تر از گذشته طنازی و خیال‌پردازی می‌کند و عرفان سنتی را با پست مدرنیته غرب به هم می‌دوزد. اما در پس زاویه دید دگماتیک وی آموزه‌های دین، اسلام و مذهب تشیع قربانیان اصلی این معرکه جدید می‌باشند، چون به زعم وی برندگان واقعی این عالم عارفان هستند!

اما این بیمناکی از رویکرد پست مدرنیسم در قبال تاریخ بسیار پر دامنه است:

دانش تاریخ، تاریخ‌نگاری و معرفت تاریخی همواره یکی از موضوعات تحقیقاتی و مطالعاتی بسیار مورد علاقه صاحب نظران و اندیشمندان پست مدرن در غرب و برخی شارحان آنها در ایران بوده است. اندیشه‌های پست مدرنیستی برآمده از نحله‌های فکری هرمنوتیکی، جنبشی بود علیه دیدگاه‌های به شدت پوزیتیویستی، قطعیت‌گرا و عینیت‌باور به ویژه در علوم انسانی. صاحبان و واضعان این اندیشه، با بازتعریف دانش تاریخ و معرفت تاریخی، مدعی شده‌اند هرگونه شرح و توصیف رویدادهای گذشته در حکم ارائه تأویلی از آنها است و گذشته هرگز به طور کامل و دقیق بازشناختنی نیست. اما واقعیت آن است که پذیرش و کاربست دیدگاه هرمنوتیکی - پست مدرنیستی در تاریخ، در حکم رسیدن به شکاکیت مطلق و ویران کردن پایه‌های دانش تاریخ و بی‌اعتبار کردن آن است (حاتمی، ۱۳۷۷ش: ۵۵-۶۹).

اگر مفهوم شکاکیت مدرن در منظر پیشران روشنفکری زمانه جای‌الخطا بودن انسان تلقی شد، رویکرد پست مدرن، رسیدن به شکاکیت مطلق و ویران کردن پایه‌های علوم و دانش‌ها و بی‌اعتبار ساختن آنها از جمله علم تاریخ است. البته با اضعف علوم خواندن تاریخ و زیر سؤال بردن شواهد تاریخی که ابزار وی در انکار ولادت امام زمان عجل الله فرجه بوده است، باید دید تیغ

پسامدرن در کف مستِ باده عرفان در این نوبت عاشقی چه بر سر اندیشه و فکر بشری و دستاوردهای علوم خواهد آورد.

در پایان به این نکته باید توجه داشت که با توجه به فهم پست مدرنیستی از ماهیت معرفت تاریخی، وزن و اعتباری برای استناد و ارجاع باقی نمی ماند؛ در واقع دیگر نباید به دنبال صحت و سقم محتویات این استنادات و ارجاعات بود (حضرتی، ۱۳۹۷ ش: ۱۱۲). به هر حال با پذیرش رویکرد معرفتی پسامدرن، مسئله ولادت امام دوازدهم به هیچ وجه قابل انکار نیست، اما به قول استنفورد باید از شکاکیت مطلق ذاتی پست مدرن، نگران بود، چون دیگر در وادی علم سنگ روی سنگ بند نخواهد شد.

نتیجه گیری

بر اساس همزبانی با مؤلفه های فلسفه علم تاریخ، گزارش های تاریخی میلاد امام دوازدهم با وجود مؤلفه های شکاکیت مدرن و لادری گری پسامدرن قابل بررسی و صحت گذاری است. اگر به این گزارش ها با دیده شک و تردید بنگریم، باید تمام علوم انسانی از جمله تاریخ را از حیز انتفاع ساقط دانست. تلاش بی حاصلی که در قرون معاصر تنها به گسترش شکاکیت منجر شد و متعاقب آن، علم را به لادری گری فروکاست. پیشران روشنفکری دینی معاصر با تمسک به تلاطم های فکری اندیشه مدرن به نواندیشی در آثار دینی می پردازد. وی متأثر از اندیشه پارادکسیکال عرفان و اعتزال نو و دست آخر اندیشه لادری گری پسامدرن و به بهانه پارادکس تحری حقیقت وارد میدان چیزی شده که پیشتر علم نامیده می شد! اما شواهد تاریخی میلاد مهدی موعود سَلَامُ عَلَیْهِ وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ بر اساس مبانی معرفت شناسی مدرن و پسامدرن غیر قابل انکار است.

منابع

۱. اتکینسون، آراف (۱۳۹۲ ش)، «نگاهی به دیدگاه های رایج در فلسفه معاصر تاریخ»، مجموعه مقالات فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری، ترجمه و تدوین: حسینعلی نوذری، تهران: انتشارات طرح نو.
۲. احمدوند، عباس (۱۳۷۷ ش)، «گذری بر مطالعات شیعی در غرب»، مقالات و بررسی ها.
۳. استنفورد، مایکل (۱۳۹۶ ش)، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه: احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
۴. اصفهانی، زهرا (۱۳۹۵ ش)، مهدویت نوعی از دیدگاه جلال الدین بلخی و ابوالعلا مودودی و نقد آن، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه غیر انتفاعی قرآن و حدیث.

۵. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله (بی تا)، *مجموع فتاوی و مقالات متنوعه (الجزء الرابع)*، الرياض: دارالقاسم.
۶. پنبه‌پز، زهرا (۱۴۰۰ ش)، *نقد دیدگاه روشنفکران شیعی معاصر درباره ویژگی‌های امام مهدی با تأکید بر آیات و روایات*، تهران: موعود.
۷. جعفریان، رسول (۱۳۷۶ ش)، *منابع تاریخ اسلام*، قم: انصاریان.
۸. جلالی، زهرا (۱۳۹۴ ش)، *نقد و بررسی دیدگاه رشیدرضا در حوزه مهدویت پژوهی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصول دین.
۹. حاتمى، امیرحسین (۱۳۷۷ ش)، «بررسی انتقادی پژوهش‌های هرمنوتیکی - پست مدرنیستی در باب تاریخ»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، شماره ۱۰.
۱۰. حسنی، سیدعلی (۱۳۹۷ ش)، «علل و زمینه‌های پذیرش ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی عده‌ای از دانشمندان اهل سنت»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۴۵/۱.
۱۱. حسینی بیواره، میراسد (۱۳۹۱ ش)، *تحلیل مبانی کلامی اعتقاد به مهدویت در «المنار والمیزان»*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
۱۲. حضرتی، حسن (۱۳۹۷ ش)، *روش پژوهش در تاریخ‌شناسی*، قم: لوگوس.
۱۳. درگاهی، سمیه (۱۳۸۶ ش)، *ولادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دیدگاه‌ها، اثبات و پاسخ به شبهات*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم حدیث.
۱۴. ده‌باشی، ثریا (۱۳۹۶ ش)، *بررسی کلامی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در فرق اسلامی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۶۰ ش)، *فلسفه تاریخ*، تهران: پیام آزادی.
۱۶. سروش، عبدالکریم (۲۰۱۶م «الف»)، *آنچه روشنفکری دینی نیست*، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush.
۱۷. سروش، عبدالکریم (۲۰۱۶م «ب»)، *سخنرانی سلوک دیندارانه مدرن جلسه اول*، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush.
۱۸. سروش، عبدالکریم (۲۰۱۶م «ج»)، *سخنرانی اقبال و مهدویت*، دانشگاه جرج واشنگتن آمریکا، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush.
۱۹. سروش، عبدالکریم (۲۰۱۷م «الف»)، *سخنرانی: از دید من برندگان این عالم عارفان بودند*، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush.
۲۰. سروش، عبدالکریم (۲۰۱۷م «ب»)، *سخنرانی سلوک دیندارانه در جهان مدرن (جلسه ۱۸)*، تلگرام

- رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush
۲۱. سروش، عبدالکریم (۲۰۱۷م «ج»)، «سخنرانی سلوک دیندارانه مدرن (جلسه ۲۰)»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush
۲۲. سروش، عبدالکریم (۲۰۱۸م «الف»)، «سخنرانی سلوک دیندارانه در جهان مدرن (جلسه ۴۰)»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush
۲۳. سروش، عبدالکریم (۲۰۱۸م «ب»)، «سخنرانی داروین‌بسم در ترازو»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush
۲۴. سروش، عبدالکریم (۲۰۱۹م)، «اندر باب عقل»، تلگرام رسمی دکتر عبدالکریم سروش، @DrSoroush
۲۵. سروش، عبدالکریم (۲۰۲۰م)، «بر مابسی کمان ملامت کشیده/ند»، مدرسه مولانا، Instagram.com/SchoolofRumi
۲۶. شاکری زواردهی، روح‌الله (۱۳۹۵ش)، «بررسی و نقد مقاله مفهوم مهدی در تشیع دوازده امامی از دائرة المعارف ایرانیکا»، فصل‌نامه انتظار موعود، شماره ۱۶ (۵۵).
۲۷. صانع‌پور، مریم (۱۳۹۳ش)، «جایگاه اصول اعتقادات شیعه دوازده امامی در آثار شیعه‌شناسان غربی»، حکمت معاصر، شماره ۵ (۳).
۲۸. صانع‌پور، مریم (۱۳۹۵ش)، «جستاری در روش شیعه‌پژوهی غرب با تمرکز بر امامت علی علیه السلام»، پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۴۹.
۲۹. صفرزاده، اصغر (۱۳۹۰ش)، «نقد و بررسی کتاب عجیب‌ترین دروغ تاریخ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ناپیوسته، دانشگاه باقرالعلوم.
۳۰. عباسی، مهدی (۱۳۹۲ش)، «اثبات ولادت امام زمان علیه السلام با نقد و بررسی شبهات پیرامون آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات دانشگاه قم.
۳۱. فراس‌تخو، مقصد (۱۳۹۳ش)، «پدیدارشناسی روش‌فکری دینی»، arasatkah.blogspot.com/1394/01/17/post-261
۳۲. فقیه ایمانی، مهدی (۱۳۷۶ش)، «اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن، بی‌جا: سایت بازار کتاب.
۳۳. فهیمی اصفهانی، سیدمحمد و همکاران (۱۳۹۷ش)، «نقد و بررسی مقاله مهدی در دائرة المعارف بریتانیکا با تأکید بر منابع اهل سنت»، فصل‌نامه مشرق موعود، (۲) ۴۵.
۳۴. گرامی، سیدمحمد (۱۴۰۰ش)، «سخنرانی بازنمایی‌های جریان‌های درگزارش‌های تاریخی، کانال رسمی انجمن ایرانی تاریخ اسلام شعبه خراسان رضوی، isih.mashhad@gmail.com
۳۵. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۲ق)، «البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان،

طنطا(مصر): دارالصحابه للتراث.

۳۶. مجتهدی، کریم (۱۳۸۴ش)، مسیحیت مشخصه فرهنگ غرب، ایران معاصر و غرب جدید (مجموعه مقالات)، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۳۷. ناصر، عباس (۱۳۸۳ش)، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه فریقین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۳۸. نورایی و جعفری (۱۳۸۹ش)، «تحلیلی بر کاربست شواهد تاریخی در تاریخ نگاری»، فصل نامه تاریخ پژوهان، شماره ۲۴.
۳۹. واردی، سیدتقی (۱۳۹۷ش)، «نسب شناسی تحلیلی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر فریقین»، فصل نامه مشرق موعود، شماره (۱) ۴۵.
۴۰. همتی گلیان، عبدالله (۲۰۰۸م)، «جایگاه شیعه شناسی در مطالعات شرق شناسان»، مجموعه مقالات همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان، دانشگاه فردوسی مشهد، profdoc.um.ac.ir.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی